همه، آمار نشان می‌دهد که نظام جدید متوسطه در تحقق هدفهای خود ــ پاسخ به تقاضای فزایندهٔ تحصیلی همراه با کاهش نسبیِ امکانها ــ ناموفق نبوده است. می‌توان دید که هدف اصلی کارشناسان و طراحان نظام جدید در واقع منطبق کردن نظام آموزشی با بودجهٔ موجود و پاسخگویی به افزایش تقاضاست. پرسش اول: هیچ راهی برای افزایش بودجهٔ آموزش و پرورش و کاستن از بودجهٔ سازمانهای دیگر وجود ندارد؟ در لایحه‌ای که وزارت آموزش و پرورش در فروردین امسال برای بردن به مجلس تدارک دیده است، نظام واحدی-نیمسالی به واحدی-سالی تغییر خواهد یافت. پرسش دوم: این گونه التقاطِ دو شیوهٔ متفاوت چه پیامدهایی خواهد داشت؟ مثلاً، دانش‌آموز به کلاس سوم می‌رود در حالی که درس ریاضیات کلاس دوم را هنوز نگذرانده است و باید در سر آن کلاس هم حضور یابد. در گفتگو با کارشناسان پاسخی برای این مشکل ــ اگر واقعاً مشکلی پیش بیاید ــ نیافتیم. طراحان برنامهٔ نظام جدید در برابر فشار جامعه و محدودیتها ناچار از عقب‌نشینی شده‌اند. سؤال سوم: کارشناسان پیش‌بینیِ این مشکلات و عقب‌نشینی کنونی را هم کرده بوده‌اند؟

باید منتظر مطرح شدن لایحه در مجلس ماند و دید که چه آخر و عاقبتی خواهد یافت. ناظرانی بدبین معتقدند هر طرحی در این مملکت در اسرع وقت از محتوای اصلی تهی می‌شود و پوسته‌ای پوک از آن بر جا می‌ماند. امیدوار باشیم که این گونه منتقدان سختگیر شاهد دیگری برای اثبات نظر خویش نیابند.

"تقویم آموزشی تعیین‌کننده نیست"

گفتگو با جعفر علاقمندان

معاون آموزش متوسطهٔ وزارت آموزش و پرورش

اکنون، شش سال پس از آغاز اجرای نظام جدید آموزش متوسطه، در برخی از جنبه‌های این نظام اصلاحاتی صورت می‌گیرد. تبدیل شیوهٔ واحدی-نیمسالی به واحدی-سالی و نیز تبدیل دورهٔ پیش‌دانشگاهی به دورهٔ تکمیلی از آن جمله‌اند. جعفر علاقمندان، معاون آموزش متوسطهٔ وزارت آموزش و پرورش، چگونگی این تغییرها و اجرای آنها را در گفتگویی در بهمن سال ۱۳۷۶ با *لوح* توضیح داد. فشردهٔ این گفتگو.

شیوهٔ واحدی و ضرورت در پیش‌گرفتن این شیوه در نظام جدید: "شیوهٔ واحدی یعنی هر درس ارزش مستقلی دارد. این شیوه در نظام آموزش متوسطه به این دلیل انتخاب شد تا با تعداد زیاد مردودیها و نیز با انبوه ترک‌تحصیلی‌های ناشی از مردودیها مقابله شود. در نظام قبلی، از هر ۱۰۰ نفر ورودی به دورهٔ متوسطه دست‌کم ۴۸ نفر پیش از پایان دورهٔ چهارساله ترک تحصیل می‌کردند و هیچ‌کس هم نمی‌پرسید این افراد کجا می‌روند. در نظام جدید از هر ۱۰۰ نفر ورودی تقریباً ۸۵ نفرشان تا بعد از پایان سه سال همچنان در نظام آموزشی مشغول تحصیل‌اند. نظام نیمسالی انعطاف فوق‌العاده‌ای دارد و شرایط مناسبی برای اجرای شاخه‌های فنی‌حرفه‌ای و کاردانش فراهم می‌آورد."

شیوهٔ واحدی-نیمسالی در جریان عمل: "یکی از این ضعفهای نظام نیمسالی این است که اگر بچه‌ها در طول یك ترم با به دلیلی با مشکل تعطیلی روبه‌رو بشوند، چون فرصت کافی برای جبران زمان از دست رفته نمی‌یابند، احتمالاً لطمه می‌بینند. مهمترین ایرادی که به نظام واحدی نیمسالی می‌گیرند رابطهٔ عاطفی دانش‌آموز و معلم است. این حرف درستی است، چرا که در نظام واحدی-نیمسالی معلمها خیلی سریع جابه‌جا می‌شوند و ارتباط عاطفی محکمی بین معلم و شاگرد به وجود نمی‌آید. در کشورهایی که نظام واحدی-نیمسالی اجرا می‌کنند به این نکته توجه کرده‌اند و معلم به یك واحد آموزشی اختصاص دارد و بین چندین واحد آموزشی در رفت و آمد نیست.

در کشور ما مدیر مدرسه معلمها را انتخاب نمی‌کند؛ منطقهٔ آموزشی آنها را توزیع می‌کند. در نتیجه، معلم در پایان هر نیمسال تحصیلی جابه‌جا می‌شود و پیوند عاطفی دانش‌آموز با او گسسته می‌شود. نظام نیمسالی در مدارس بزرگ ــ با بیش از ۴۰۰ دانش‌آموز ــ بسیار خوب عمل می‌کند. اما در مدارس کوچکتر با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. بخشی از امکانات ما در نظام قدیم شکل گرفته و الان قادر نیستیم آن واحدها را بزرگ کنیم. در ساخت‌وسازهایی که از سال ۱۳۷۰ شروع کرده‌ایم، سفارش ما احداث مدارسی برای حدود ۴۸۰ دانش‌آموز است."

انعطاف در تلفیق دو نظام: "با توجه به مجموعهٔ شرایط موجود، ارائهٔ درسها در نظام متوسطه می‌تواند در جاهایی به صورت نیمسالی باشد و در جاهایی به صورت سالی. در بعضی رشته‌ها شیوهٔ سالی مناسب‌تر است اما در رشته‌های دیگر نیمسالی. برای مثال، در شاخهٔ کاردانش، یك مهارت را که به ۵۰ ساعت آموزش مهارت نیاز دارد اصلاً نمی‌توان به عنوان یك واحد درسی در طول یك سال ارائه داد. معنای این کار آن است که این دانش‌آموز به جای اینکه در هفته چهار روز با کار ممارست پیدا کند، چون کار به طول سال تقسیم می‌شود، یك روز در هفته ممارست پیدا می‌کند. از این نظر یك مقدار مشکل پیدا خواهد شد. اگر ما بخواهیم یك تقویم آموزشی ثابت برای کل کشور ایجاد کنیم، موفقیت چنین امری زیر سؤال است. می‌توانیم بگوییم که در نظام سالی-واحدی باید به این سمت حرکت کنیم که دو ترم مستقل داشته باشیم. برای بعضی از رشته‌ها در ابتدای سال دانش‌آموزان برای هر دو ترم واحد بگیرند و درسها به شکل پیوسته اجرا شود، اما برای بعضی از رشته‌ها، که نمی‌توان به صورت پیوسته اجرا کرد، در آغاز هر ترم انتخاب واحد کنند. در حال حاضر مشغول امکان‌سنجی برای اجرا هستیم تا ببینیم در چه جاهایی شیوهٔ سالی-واحدی قابل اجراست و کارها را آسان می‌کند و در چه جاهایی شرایط را دشوارتر.

تلاش ما این است تا آنچه را قابل اجراست از پایهٔ اول شروع کنیم و شیوهٔ سالی شامل پایه‌های بعدی و کسانی که مشغول تحصیل هستند نخواهد شد.“

تاریخ احتمالی اجرای نظام واحدی-سالی: ”اگر اجرای این شیوه نیاز به مقدماتی مثل تغییر کتابهای درسی نداشته باشد، از سال تحصیلی ۱۳۷۷ در پایهٔ اول به اجرا گذاشته می‌شود. اما اگر نیاز به مقدماتی مثل اصلاح و تغییر کتابهای درسی داشته باشد، اجرای آن فعلاً یك سال به تأخیر خواهد افتاد. اول سال ۱۳۷۷ لایحهٔ جدیدی از طرف دولت به مجلس تقدیم می‌شود. این لایحه تا مسیر طبیعی خودش را طی کند یکی دو سال طول خواهد کشید. بنابراین در مهرماه ۱۳۷۷ تغییر زیادی در نظام متوسطه نخواهیم دید.“

نیاز به تصویب مجلس برای اجرای شیوهٔ واحدی- سالی: ”این گونه تصمیمها در هیچ کشوری به قوهٔ قانونگذاری مربوط نمی‌شود. این بحثهای فوق‌العاده تخصصی را معمولا در شوراهای کارشناسی مطرح می‌کنند. در ایران این گونه مسائل را در شورای انقلاب فرهنگی و شوراهای دیگر مطرح می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم. لایحه‌ای که به مجلس خواهد رفت دربرگیرندهٔ جهت‌گیری‌های کلی نظام آموزشی است.“

دربارهٔ خطوط جدید در لایحهٔ کلیات نظام جدید: ”به اعتقاد ما آموزش و پرورش باید به شکل غیرمتمرکز اداره شود و باید به سمتی حرکت کنیم که مدارس از اختیارات بیشتری برخوردار شوند و حتی در بعضی جنبه‌ها استقلال پیدا کنند. مدرسه باید بتواند در مورد دخالت مردم برای هدایت برنامه‌های آموزش و پرورش تصمیم‌گیری کند. از این رو، ضروری است که اختیاراتی در این زمینه به مدیر یا شورا یا هیئت امنای مدرسه داده شود.“

تفاوتهای لایحهٔ جدید با لوایح قبلی دولت: ”وقتی دولت عوض می‌شود، جهت‌گیری‌های کلی دولت باید مدّ نظر قرار بگیرد. برای مثال، وقتی در دولت جدید امور جوانان این اندازه مورد تأکید قرار می‌گیرد، ما هم باید به صورت بارزتری به این مسائل توجه کنیم. یا وقتی دولت جدید بر مشارکت مردم در تمام امور تأکید دارد، باید ببینیم مشارکت بیشتر مردم در مسائل آموزش و پرورش را چگونه باید تسهیل و سازمان‌دهی کنیم. احتمالاً دادن اختیارات بیشتر به مدارس برای جلب مشارکت مردم در ادارهٔ آنها یکی از این راههاست.“

تغییرات درنظام آموزش‌متوسطه: ”مختصات کلی آموزش متوسطه تغییر عمده‌ای نخواهد کرد. اما در مورد دورهٔ پیش‌دانشگاهی، فکر می‌کنیم باید تعیین‌تکلیف صریح‌تری انجام شود. قبلاً قرار بود سه و یك (سه سال متوسطه و یك سال پیش‌دانشگاهی) در داخل نظام آموزش و پرورش باشد. دورهٔ پیش‌دانشگاهی یك دورهٔ یکساله (دو ترمی) است و دانش‌آموزانی که وارد این دوره می‌شوند پس از گذراندن ۳۲ واحد درسی گواهی قبولی می‌گیرند که فقط مجوزی برای شرکت در آزمون سراسری دانشگاه است. در اینجا عملاً مشکلی که به وجود می‌آمد این بود که بسیاری از کسانی که وارد پیش‌دانشگاهی می‌شدند خیال می‌کردند وارد دانشگاه شده‌اند و خودشان را دانشجو می‌دانستند. بعداً بعضی از افراد مرتب مراجعه می‌کردند که حالا اگر این فرد سه سالش را خوانده چرا نباید وارد دانشگاه شود، و بحثهایی از این قبیل. ما گفتیم خوب، کنکور بگذارند و بگویند چه کسانی دانشجو شده‌اند و پس از قطعی شدن دانشجویی، آن وقت واحدهای متناسب با رشتهٔ تحصیلی خود را بگذرانند. الآن می‌گوییم همان سه را می‌گیریم، یکش را بعد از اینکه فرد دانشجو شد. ما می‌توانیم در این زمینه با دانشگاه همکاری کنیم. دانشگاه ممکن است توانایی اجرای این دوره را برای ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر نداشته باشد.“

پاسخ به پاره‌ای انتقادها و در دفاع از نظام جدید: ”برای ما یك نکته محرز است: بچه‌هایی که از نظر درسی قوی هستند در این نظام هیچ مشکلی ندارند. اما بچه‌های که از سطح متوسط پایین‌تر باشند در نظم جدید غربال می‌شوند و این ویژگی ضعف نظام به حساب نمی‌آید. تمام نظامهای آموزشی خصلت غربال‌کردن را در خودشان دارند، خصوصاً پیش از دانشگاه که دانش‌آموزان را در مسیرهای مختلف هدایت می‌کنند. اما در ایران به این دلیل که ما امکانات لازم برای آموزش مهارتها نداریم، بچه‌ها وارد مسیرهایی می‌شوند که نباید بشوند و در این مسیرها در جا می‌زنند. در نظامهای سالی این درجا زدن به‌روشنی دیده نمی‌شود، اما در این نظام خوب پیداست. به خانواده‌های زیادی برمی‌خوریم که می‌پرسند به چه دلیل اجازه نمی‌دهیم بچه‌های آنها که چهار ترم مشروط شده‌اند به تحصیل ادامه دهند؟ ما در جواب می‌گوییم: اگر بچهٔ شما در نظام سالی درس می‌خواندند، در دو سال اول رد می‌شدند و به ترم هشت نمی‌رسیدند که در این ترم هم چند واحدشان باقی بماند که در کلاسهای بزرگسالان ادامه بدهند. الان در برابر این نظام جدید مقاومتهایی می‌شود، چون مردم به نظام سالی به شکل سنتی‌اش عادت کرده بودند و همه می‌دانستند بچه‌های دو ساله [که برای بار دوم در یك کلاس مردود شوند] از مدرسه اخراج می‌شوند، و به همین دلیل تعداد قابل‌توجهی از بچه‌ها ترك تحصیل می‌کردند.“

ساختار تقویمی نظام آموزش متوسطه: ”در نظامهای تعلیم و تربیت این جنبهٔ کار که در نظام آموزشی ما این‌قدر اهمیت پیدا کرده، خیلی تعیین‌کننده نیست. در کتابهایی که از طرف مراجعی بین‌المللی مثل یونسکو پیرامون نظامهای تربیتی منتشر شده به موضوع واحدی یا سالی بودن نظامها اصلاً توجهی نمی‌شود. این نشان می‌دهد که تقویم آموزشی نکتهٔ مهمی نیست. از سوی دیگر، بر چیزهایی تأکید می‌شود که متأسفانه ما از آنها غفلت می‌کنیم. بخش عمده‌ای از مشکلاتی که به آموزش متوسطه نسبت می‌دهند ناشی از ساختار آموزش متوسطه نیست، ناشی از کمبود امکاناتی است که باید به این نظام داده شود، اما داده نشده است.“ □

”تصمیم در برنامهٔ آموزشی در هیچ‌کشوری به قانونگذاری مربوط نمی‌شود. در ایران این مسائل را در شورای انقلاب فرهنگی و شوراهای دیگر مطرح می‌کنیم. لایحه‌ای که به مجلس خواهد رفت دربرگیرندهٔ جهت‌گیری‌های کلی نظام آموزشی است.“